

مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، دانشگاه فردوسی مشهد، علمی- پژوهشی، شماره پیاپی ۶- بهار و تابستان ۱۳۹۱

دکتر عاطفه‌سادات میرسعیدی (مری گروه زبان انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان (اصفهان)، نویسنده مسؤل)

دکتر بتول علی‌نژاد (استادیار گروه زبان‌شناسی همگانی دانشگاه اصفهان)

وندافزایی در زبان فارسی: وندبنیاد یا پایه‌بنیاد؟

چکیده

گیگریش^۱ (۱۹۹۹) در کتاب خود تحت عنوان «لایه‌های واژگانی در زبان انگلیسی»^۲ با اشاره‌ای مختصر به نظریه «واج‌شناسی و ساختواژه‌واژگانی»^۳ کیپارسکی و مهانان که در سال‌های اخیر به میزان زیادی بر علم زبان‌شناسی، خصوصاً واج‌شناسی و ساختواژه‌تاثیرگذار بوده است، این انگاره را «وند-بنیاد»^۴ می‌داند؛ بدان معنا که خصوصیات ساختواژی هر لایه^۵ توسط خصوصیات مجموع وندهایی تعریف شده است که در ارتباط با حضور در هر لایه با نشانه‌هایی که بیانگر خصوصیات آنهاست از هم تفکیک شده‌اند. وی ضمن تشریح ایرادها و کمبودهای مدل مذکور، تئوری جدیدی را درباره وندافزایی^۶ لایه‌ای معرفی کرده، آن را «پایه-بنیاد»^۷ می‌نامد که لایه را بر مبنای پایه تعریف می‌کند نه بر اساس وندها. در قالب این تئوری، وندها آزادند در بیشتر از یک لایه اضافه شوند یا پیوند بخورند. گیگریش به منظور تشریح انگاره خود از زبان آلمانی مثال می‌آورد. مقاله حاضر که یک بررسی همزمانی است، وندافزایی را در زبان فارسی در قالب دو دیدگاه «وند-بنیاد» و «پایه-بنیاد» مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار داده است. نتایج بررسی حاکی از آن است که وندافزایی در زبان فارسی بر مبنای دیدگاه «پایه-بنیاد» گیگریش به میزان بیشتری نسبت به دیدگاه «وند-بنیاد» کیپارسکی و دیگران قابل توضیح و تبیین است.

-
- 1-Giegerich
 - 2-Lexical Strata in English
 - 3-Lexical morphology and phonology
 - 4-affix-driven
 - 5-stratum
 - 6-affixation
 - 7-base-driven

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۲/۲۰ پذیرفته: ۱۳۹۰/۱۰/۱۷

atefehe2000@yahoo.com

بتول_الینزهاده@yahoo.com

کلیدواژه‌ها: وندافزایی، وندهای اشتقاقی^۱، وندهای تصریفی^۲، اشتقاق^۳، تصریف^۴، انگاره وندبنیاد، انگاره پایه‌بنیاد، واژه‌سازی^۵.

۱- مقدمه

یکی از مباحث مهم زبان‌شناسی، شیوه‌های واژه‌سازی در زبان‌هاست. هر زبانی با توسل به تعدادی از این شیوه‌ها می‌تواند واژه‌های جدیدی بسازد. یکی از شیوه‌های واژه‌سازی در زبان در حوزه ساختواژه و در بخش اشتقاق وندافزایی است که در آن یکی از انواع وندها به درونداد این فرایند، که یک واژه بسیط است، پیوند می‌خورد و یک واژه جدید ساخته می‌شود. نمونه‌ای از وندافزایی در زبان فارسی اضافه شدن پسوند^۶ «-ای» به صفت «شاد» و ساختن واژه جدید «شادی» در نقش قید است (افراشی، ۱۳۸۶: ۸۵). وند یکی از انواع تکواژوابسته^۷ است که به تنهایی و به طور مستقل به کار نمی‌رود. جزئی از کلمه که وند به آن پیوند می‌خورد «پایه»^۸ نامیده می‌شود. وندها از نظر محل قرار گرفتنشان نسبت به پایه کلمه به سه گروه تقسیم شده‌اند:

۱- پیشوند^۹: وندی که قبل از پایه قرار می‌گیرد؛ مانند «بی-» در «بی‌صدا».

۲- پسوند: وندی که بعد از پایه قرار می‌گیرد؛ مانند «-سار» در «کوهسار».

۳- میانوند^{۱۰}: وندی که در درون ریشه جای می‌گیرد. در زبان فارسی میانوند وجود ندارد (کلباسی، ۱۳۷۱: ۲۴). از طرف دیگر وندها بر اساس نقششان به وندهای تصریفی و اشتقاقی گروه بندی شده‌اند که به دو فرایند واژه‌سازی تصریف و اشتقاق مربوط می‌شود:

-
- 1-derivational affixes
 - 2-inflectional affixes
 - 3-derivation
 - 4-inflection
 - 5-word-formation
 - 6-suffix
 - 7-bound morpheme
 - 8-base
 - 9-prefix
 - 10-infix

۱- وندهای تصریفی نقش نحوی^۱ دارند، بدان معنا که شکل کلمه را تغییر می‌دهند تا برای ایفای نقش معینی در جایگاه نحوی خاص مناسب باشد. این نوع وند با همه اعضای یک مقوله از کلمات می‌تواند به کار رود و کمتر استثنا پذیراست. مانند علامت جمع "ها" در زبان فارسی. وندهای تصریفی همچنین از نظر معنایی منظم‌تر و به طور کلی زیاتر^۲ از وندهای اشتقاقی‌اند.

۲- وندهای اشتقاقی نقش واژه‌سازی دارند؛ یعنی واژه جدید می‌سازند و مقوله دستوری^۳ پایه‌ای را که به آن پیوند می‌خورد و یا معنای پایه و یا هر دو را تغییر می‌دهند. تعداد این نوع وندها از وندهای تصریفی بیشتر است و با همه اعضای یک مقوله از کلمات به کار نمی‌روند و از نظر محل قرار گرفتن در مقایسه با وندهای تصریفی معمولاً به پایه کلمه نزدیک‌ترند.

در این پژوهش به تعریف و توضیح دو دیدگاه "وند- بنیاد" و "پایه - بنیاد" در ارتباط با وندافزایی پرداخته می‌شود، سپس با معرفی نمونه‌ای از داده‌های زبان فارسی، وندافزایی در این زبان با توجه به هر دو دیدگاه بررسی و در نهایت نتیجه‌گیری این مباحث عرضه خواهد شد. نکته دیگر آن است که آیا وندافزایی را در زبان فارسی باید وند- بنیاد دانست یا پایه- بنیاد تا با توجه به آن بتوان تا حد امکان در مورد ماهیت ساختوازی وندافزایی در نمونه‌هایی از واژه‌های فارسی قضاوت کرد.

۲- روش تحقیق

پژوهش حاضر بر اساس ماهیت و روش یک تحقیق توصیفی است و به توصیف منظم و نظام‌مند یک پدیده علمی که همان وندافزایی در زبان فارسی است، می‌پردازد. از طرف دیگر، مقاله حاضر را از آنجایی که درصدد کشف ماهیت ساختوازی وندافزایی است، می‌توان یک تحقیق بنیادی دانست. برای توصیف و تعریف مباحث نظری مربوط به این مقاله و نیز گردآوری داده‌ها از شیوه نظری یا کتابخانه‌ای استفاده شده است.

1-syntactic

2-productive

3-part of speech

۳-نگاهی اجمالی به دو دیدگاه

۳-۱- وند افزایی لایه‌ای وند-بنیاد

وندافزایی لایه‌ای وند-بنیاد عنوانی است که گیگیش (۱۹۹۹) به نظریه «واج‌شناسی و ساختواژه وازگانی کیپارسکی و مهانان» اطلاق می‌کند. وی جنبه‌های ساختوازی دو انگاره زیر را که به‌عنوان انگاره‌های رقیب در دهه ۱۹۸۰ معرفی می‌نماید، در جدول زیر نشان می‌دهد:

جدول ۱- انگاره‌های وندافزایی لایه‌ای در دهه ۱۹۸۰ (گیگیش، ۱۹۹۹: ۲)

| | کیپارسکی (۱۹۸۲) | هله و مهانان (۱۹۸۵) ^۱ مهانان (۱۹۸۶) |
|------------|--|---|
| لایه اول | ity, -ic, ون افزایی +, cacti, oxen: تصریف بی‌قاعده | ity, ic, وندافزایی +, cacti, oxen: تصریف بی‌قاعده |
| لایه دوم | ness, -less, وندافزایی '#', ترکیب ^۲ | ness, -less, وندافزایی '#' |
| لایه سوم | تصریف باقاعده | ترکیب |
| لایه چهارم | - | تصریف باقاعده |

اختصاص فرایندهای «ترکیب» و «تصریف با قاعده» به لایه‌های جداگانه سوم و چهارم در انگاره مهانان تعداد لایه‌ها را به ۴ افزایش داده است که از نظر ساختوازی تدبیری به نام «حلقه^۳» را به‌منظور ارتباط میان لایه‌های دوم و سوم به دنبال دارد؛ بدان صورت که چون قواعد ساختوازی مربوط به لایه‌های دوم و سوم درونداد لازم برای یکدیگر را تولید می‌کنند، نیاز به یک «حلقه» برای دسترسی قواعد وند افزایی لایه دوم و قواعد ترکیب لایه سوم به بروندادهای یکدیگر احساس می‌شود (کاتامبا، ۱۹۹۳: ۱۵۰). در این میان لایه‌های مذکور از نظر ساختوازی به اطلاعات هم دسترسی دارند، ولی از لحاظ واجی چنین ارتباطی میان آنها وجود ندارد. چنین تدبیری موجب ضعف نظریه واج‌شناسی و ساختوازه وازگانی می‌شود؛ به

1-Halle and Mohanan

2-compounding

3-loop

می‌شود؛ به خصوص که توجهی به ادعای اصلی این نظریه مبنی بر ارتباط دو حوزه ساختواژه و واج شناسی با هم و تاثیر آنها بر یکدیگر نمی‌گردد؛ از طرف دیگر، از آنجایی که انگاره سه‌لایه‌ای کیپارسکی نیز در مورد تصریف‌های باقاعده‌ای که در رابطه با فرایند ترکیب اعمال می‌شود (مانند systems analyst) نیاز به حلقه دارد، امروزه در بررسی‌های مربوط به زبان انگلیسی، انگاره‌های دو لایه‌ای، استاندارد تلقی می‌شوند، اما سوالی که چرا باید این چنین باشد همچنان بی جواب مانده است (گیگریش، ۱۹۹۹: ۳). به علاوه مباحث مبهم دیگری درباره تعداد لایه‌ها، آنچه که لایه‌ها شامل می‌شوند، جهانی بودن یا نبودن لایه‌ها، و از همه مهم‌تر چرایی این مسائل، وجود داشته و دارد (همان: ۲). همان طور که قبلاً هم اشاره شد، گیگریش (۱۹۹۹) دو انگاره ارائه شده در جدول (۱) را «وند-بنیاد» می‌داند، چرا که در این انگاره‌ها خصوصیات ساختواژی لایه‌ها بر اساس خصوصیات وندها قابل تعریف است. ادعاهای دیگر این دیدگاه از قرار زیر است:

- هر دسته از وندها فقط به یک لایه تعلق دارند؛ به عبارت دیگر هر لایه منحصرأ شامل دسته خاصی از وندهاست که خصوصیات ساختواژی و واجی مشترکی دارند.
- هر لایه به صورت چرخه‌ای^۱ عمل می‌کند؛ بدان معنا که درونداد قواعد ساختواژی در هر لایه در معرض اعمال قواعد واجی موجود در همان لایه قرار دارد.
- هر قاعده ساختواژی به یک لایه محدود می‌شود، در این راستا اصل قلاب‌گیری^۲، قلاب‌هایی را که نشانگر ساختار درونی کلمه‌اند پاک می‌کند و بدین ترتیب قواعدی که بر لایه بعدی اعمال می‌شوند به اطلاعات مربوط به ساختار درونی کلمه‌ای که در چرخه قبلی ساخته شده دسترسی ندارند، در نتیجه برونداد هر لایه یک کلمه^۳ است؛ مانند:

$$[\text{book shops}]_N \rightarrow [\text{book shop}]_N - s]_N \rightarrow [[\text{book}_N][\text{shop}_N]]_N$$

- وندهای لایه اول نزدیک تر از وندهای لایه دوم به ریشه‌اند؛ از این رو ترتیب واژک‌ها ترتیب سلسله مراتبی لایه‌ها را نشان می‌دهد (کاتامبا، ۱۹۹۳: ۱۳۳).

1-cyclic

2-Bracket Erasure Convention(BEC)

3-word

- اصل «کلیت ترتیب وندها»^۱، وندافزایی چندگانه^۲ لایه اول، وندافزایی چندگانه لایه دوم، و اعمال وندهای لایه دوم بر برونداد وندافزایی لایه اول را مجاز می‌داند، اما براساس این اصل هیچ وندی از لایه دوم نمی‌تواند بر برونداد وندافزایی لایه اول اعمال شود. به‌عنوان مثال با توجه به اینکه وند *-ity* از وندهای لایه اول و *-ness* و *-less* از وندهای لایه دوم است، صورت‌های *homelessness*، *tonicity* و *tonicness* خوش ساخت^۳ هستند در حالی که صورت *homelessness* بد ساخت^۴ می‌باشد.

- بر مبنای «معیار مقوله پایه»^۵ وندهای لایه اول آزادند هم به کلمات و هم به ستاک یا ریشه‌های مقید پیوند بخورند، اما وندهای لایه دوم فقط به کلمات اضافه می‌شوند؛ مثلاً وند صفت ساز *-al* از آنجایی که به ریشه مقید پیوند می‌خورد یک وند لایه اول است: *final*؛ اما وند اسم ساز *-al* چون به ریشه مقید اضافه نمی‌شود وند لایه دوم محسوب می‌گردد: *approval*

- وندافزایی در لایه دوم زیاتر و از نظر معنایی نظام‌مندتر از وندافزایی در لایه اول است. در این رابطه براساس اصل «تاثیر بازداری»^۶، در میان فرایندهای ساختوازی مشابه، در مواردی که حاصل اعمال قاعده زیاتر بروندادی از نظر معنایی مشابه با برونداد حاصل از اعمال قاعده غیرزایا داشته باشد، فقط قاعده ساختوازی غیرزایا اعمال می‌شود؛ مثلاً وند اسم ساز نازیای *-th* در زبان انگلیسی مانع اعمال وند زایای *-ness* می‌شود. اصل «شرط جای دیگر»^۷ نیز در این زمینه مانع اعمال قواعد کلی‌تر در مواردی که قواعد خاص مشابه اعمال شده است، می‌شود.

- وندهای لایه دوم در ارتباط با تکیه خشی هستند، ولی وندهای لایه اول خشی نیستند؛ یعنی یا جایگاه تکیه پایه‌ای را که به آن پیوند می‌خورند تغییر می‌دهند (*tótem-totémic*) و یا تکیه اصلی کلمه روی این وندها قرار می‌گیرد (*páy-payée*).

1-Affix Ordering Genralisation(AOG)

2-multiple affixation

3-well-formed

4-ill-formed

5-base-category diagnostic

6-Blocking Effect

7-Elsewhere Conditions

- زنجیره‌ای که شامل وندهای لایه اول است باید محدودیت‌های واج آرایه^۱ را که بر زنجیره‌های بدون وند اعمال می‌شود رعایت کند؛ در صورتی که در مورد زنجیره شامل وندهای لایه دوم این گونه نیست.

- فرایندهای موجود در لایه اول، علاوه بر تغییر جایگاه تکیه پایه، تغییرات دیگری را نیز در پایه‌ای که وند به آن پیوند می‌خورد از طریق اعمال قواعد واجی چرخه‌ای (advocate-advocacy) و تکواژگونی^۲ (ampliy-amplification) به وجود می‌آورند (گیگیش، ۱۹۹۹: ۲۱-۱۱).

- شکل فرایندهای وندافزایی به صورت زیر است:

| |
|--|
| <p>در لایه n</p> <p>A را در محیط $x [y - z]$ قرار دهید.</p> <p>برونداد: کلمه</p> <p>(مقوله دستوری X=)</p> |
|--|

اشکال مدل وند-بنیاد مذکور، که گیگیش (۱۹۹۹) یادآور می‌شود، آن است که رفتار واجی و ساختوازی تعدادی از وندهای زبان انگلیسی (مانند: -ment) به شکلی است که در هر دو لایه قابل پیوند به پایه هستند و بنابراین اصل کلیت ترتیب وندها که بر مبنای آن هیچ وند لایه دومی نمی‌تواند درون وندهای لایه اول قرار گیرد نقض می‌شود. به عبارت دیگر، اگر تعدادی از وندها متعلق به بیشتر از یک لایه باشند تعریف هر لایه بر اساس خصوصیات واجی و ساختوازی وندهایی که در آن قرار دارند، غیر ممکن می‌نماید.

۳-۲- وندافزایی لایه‌ای پایه- بنیاد

گیگیش (۱۹۹۹) نظریه وندافزایی لایه‌ای پایه- بنیاد را معرفی می‌کند. دیدگاهی را که تمایز میان لایه‌های اول و دوم را بر اساس تمایز مقوله‌ای میان پایه در فرایند وندافزایی تعیین می‌کند برای اولین بار

سلکریک^۱ مطرح کرد (گیگریش، ۱۹۹۹: ۷۳). از این رودر این نظریه لایه‌ها بر مبنای پایه‌های موجود در وندافزایی قابل تعریف‌اند، نه بر اساس خصوصیات وندها. از طرف دیگر، پیوند هر وند با پایه در بیشتر از یک لایه مجاز است. این انگاره مهارکامل بر تعداد لایه‌ها در یک زبان خاص دارد. گیگریش (۱۹۹۹) معتقد است که زبان انگلیسی دارای دو لایه واژگانی پایه-بنیاد و واژه-بنیاد است و زبان آلمانی سه لایه واژگانی پایه-بنیاد، ستاک-بنیاد و واژه-بنیاد دارد. در این دیدگاه اصل «کلیت ترتیب وندها» با تمام مشکلاتی که دارد خاصیت خود را از دست داده است و در رابطه با لایه اول، چهارچوبی پیشنهاد می‌شود که در آن وندها، به همراه ویژگی‌های منحصر به فرد معنایی، میزان زایایی، و بازدارنده‌های ساختوازی که شکل و عملکرد لایه اول را نشان می‌دهند، فهرست شده‌اند. به‌طور کلی در این انگاره مقوله ساختوازی پایه مهم‌ترین نقش را در وندافزایی واژگانی لایه‌ای ایفا می‌کند.

بخش واج‌شناختی این نظریه اعمال شرط محدودیت چرخه‌ای محض^۲ را برای تمام لایه‌های واژگانی غیرپایانی پیش‌بینی می‌کند؛ به طوری که قواعد واجی تغییردهنده ساختار^۳ فقط در لایه واژگانی پایانی قادر به تاثیر بر محیط غیراشتقاقی^۴ هستند (گیگریش، ۱۹۹۹: ۵-۴). ادعاهای دیگر این نظریه به شرح زیر است:

- درونداد تمام فرایندهای وندافزایی لایه اول اعضای مقوله ریشه^۵ هستند و از آنجایی که وندافزایی چندگانه در لایه اول مجاز و ممکن است، برونداد وندافزایی لایه اول نیز باید از مقوله ریشه باشد. بنابراین ریشه یک مقوله تکرار پذیر^۶ است و در عین حال می‌تواند از نظر ساختوازی مرکب^۷ باشد تا زمانی که این مرکب بودن نتیجه ساختوازی لایه اول باشد. از طرف دیگر و به طور مشابه درونداد و برونداد فرایندهای وندافزایی لایه دوم از اعضای مقوله تکرار پذیر کلمه^۸ است.

1-Selkrik

2-Strict Cyclicity Condition (SCC)

3-structure - changing

4-underived environment

5- root

6-recursive

7-complex

8- word

- از آنجایی که لایه‌های اول و دوم ترتیب تلفیقی^۱ دارند به طوری که یک صورت از زبان می‌تواند به طور پیاپی شامل وندافزایی لایه اول و دوم شود، باید جایی در اشتقاق باشد که ریشه‌ها به واژه‌ها تبدیل شوند تا برای وندافزایی لایه دوم آماده باشند. این فرایند به صورت زیر نشان داده شده است:
قاعده تبدیل ریشه به کلمه^۲:

$$[[[]_r]_L] \longrightarrow []_r \quad (L = \text{صفت و فعل و اسم})$$

این قاعده نه تنها در انگاره مذکور اجتناب‌ناپذیر است، بلکه نقشی اساسی در حوزه واج‌شناسی ایفا می‌کند (گیگیش، ۱۹۹۹: ۷۳).

فرض بر آن است که تمام داده‌های زبانی که خصوصیت مقوله‌ای ریشه دارند به همراه فرایندهای ساختواری که بر آنها اعمال می‌شود در لایه اول فهرست شده‌اند و قاعده تبدیل ریشه به کلمه نیز یکی از همین فرایندهاست، در نتیجه، لایه اول عملکرد چرخه‌ای قواعد را داراست (همان: ۷۸)؛ مانند:

| Cycle | Cycle |
|---|--|
| $\left\{ \begin{array}{l} \rightarrow [[matern]_r al]_r \\ \rightarrow [[matern]_r ity]_r \\ \rightarrow *[[matern]_r]_L (n/a) \end{array} \right.$ | $\left\{ \begin{array}{l} \rightarrow \dots (?) \\ \rightarrow [[[[matern]_r al]_A] \rightarrow (to stratum 2) \\ \rightarrow \dots (?) \\ \rightarrow [[[[matern]_r ity]_r]_N] \rightarrow (to stratum 2) \end{array} \right.$ |

در مثال بالا روند اشتقاق ریشه مقید-matern دیده می‌شود؛ در چرخه اول ریشه‌های مرکب maternal و maternity ساخته شده‌اند، از آنجایی که قاعده تبدیل ریشه به کلمه بر matern اعمال شدنی نیست تبدیل این ریشه به کلمه‌ای که حامل مقوله واژگانی باشد ممکن نیست. در چرخه

1-conjunctive ordering

2-Root-to-word conversion rule

دوم، قاعده مذکور بر *maternal* و *maternity* اعمال می‌شود و آنها را به صفت و اسم تبدیل می‌کند به طوری که از لایه خارج می‌شوند، در حالی که در رابطه با این داده زبانی پسوندهای دیگری اضافه نمی‌شود، اما از دیدگاه نظری اشتقاق بیشتر امکان‌پذیر است (همان: ۷۹).

تمام واحدهای واژگانی (ریشه‌های از نظر ساختوازی ساده^۱ و وندها) در بخش واژگان فهرست شده‌اند و هر مدخل واژگانی شامل یک فهرست از همه فرایندهای ساختوازی لایه اول می‌شود که به طور بالقوه در معرض اعمال آنها قرار دارد. این فهرست همچنین شامل تمام وندهای موجود و قاعده تبدیل ریشه به کلمه به همراه مقوله واژگانی که این قاعده به عنصر واژگانی مدنظر اختصاص می‌دهد، می‌شود؛ مانند:

$$\text{nation} \begin{cases} \rightarrow -al \\ \rightarrow N(\text{Root} - \text{to} - \text{Word}) \end{cases}$$

nation یکی از ریشه‌های زبان انگلیسی است که به شکل *[nation]* نمایش داده می‌شود.

عملکردهای موجود عبارتند از:

(۱) پسوند *al* را به *[nation]* پیوند دهید: *[[nation]al]*

(۲) *[nation]* را به عنوان درونداد قاعده تبدیل ریشه به کلمه در نظر گرفته، مقوله واژگانی اسم را

به آن اختصاص دهید.

اطلاعات معناشناختی ریشه ساده و صورتی که وند به آن پیوند خورده است به همراه مدخل واژگانی فهرست شده است مگر در مواقعی که صورت ونددار از نظر معناشناختی، ترکیبی^۳ باشد. نمونه‌ای از فهرست پسوندها به شکل زیر است:

$$-al \begin{cases} \rightarrow -ize \\ \rightarrow -ity \\ \rightarrow Adj (\text{Root} - \text{to} - \text{Word}) \end{cases}$$

پسوندها، درست مثل ریشه‌ها، به همراه اطلاعاتی در مورد فرایندهای ساختوازی بالقوه قابل اعمال بر آنها فهرست شده‌اند. اولین پسوندی که به یک ریشه پیوند می‌خورد در معرض محدودیت-

1-simple

2-lexicon

3-compositional

های منحصر به فرد مربوط به آن ریشه قرار می‌گیرد، اما پسوندهای بعدی فقط در معرض محدودیت‌هایی قرار دارند که بر پسوند قبلی اعمال می‌گردد. نکته دیگر اینکه دیدگاه مذکور معتقد است که همه زبانمندان یک فهرست مشترک و یکسان ندارند (گیگریش، ۱۹۹۹: ۸۲-۸۰).

۲- اگر دروندادهای اشتقاق‌های واژگانی به صورت جهانی «ریشه» و برون‌دادهای «کلمه» باشد، بنابراین زبان‌ها به طور جهانی و همگانی دارای یک لایه ریشه هستند. اگر چه این لایه ممکن است فقط شامل قاعده تبدیل ریشه به کلمه باشد. حال اگر یک زبان فرضی را در نظر بگیریم که کل نظام ساختوازی‌اش پایه-بنیاد است، از آنجایی که قاعده تبدیل ریشه به کلمه در لایه اول اعمال می‌شود، این زبان نیازی به داشتن یک لایه کلمه-بنیاد به منظور تولید کلمه‌ای که برون‌دادهای واژگان باشد، ندارد. چنین زبانی دارای دومین و آخرین لایه‌ای است که فقط شامل قواعد واجی است. در مواردی که این زبان فاقد چنین قواعد واجی باشد فقط یک لایه پایه-بنیاد دارد. بنابراین انگاره مذکور ادعا نمی‌کند که حداقل تعداد لایه‌ها باید دو باشد: ممکن است یک زبان فقط دارای یک لایه پایه-بنیاد باشد؛ همچنین ادعای این انگاره بر آن نیست که حداکثر تعداد لایه‌ها به طور جهانی دو است چرا که این مسئله درباره زبان‌هایی صادق است که تنها مقوله‌های آن پایه؛ ریشه و کلمه هستند، مانند زبان انگلیسی؛ به علاوه بررسی‌هایی که بیشتر از سه لایه برای زبان‌های خاص در نظر می‌گیرند در مدل پایه-بنیاد مدنظر مجاز است (همان: ۸۸).

- در رابطه با مسئله بازداری ساختوازی تغییرات و تعدیل‌هایی نسبت به مدل وند-بنیاد مشاهده

می‌شود:

۱- باتوجه به اینکه قاعده تبدیل ریشه به کلمه بر ریشه‌های از نظر ساختوازی ساده نیز اعمال می‌شود، می‌توان گفت که صورت‌های زبانی ساده مانع تولید صورت‌های زبانی مرکب با معنای یکسان می‌شود، بنابراین عنصر واژگانی که مسئول ایجاد مانع است نباید الزاماً حاصل وندافزایی باشد که با فرایندی که برون‌دادهای مسدود شده است رقابت می‌کند؛ مثلاً *hotness** به خاطر وجود *heat* است که ساخته نمی‌شود.

۲- از طریق اعمال قاعده تبدیل ریشه به کلمه، وجود یک صورت زبانی از نظر ساختوازی ساده،

مانع تولید یک صورت زبانی مرکب با شکل واجی یکسان می‌گردد.

۳- به دلیل آنکه فهرست فرایندهای موجود در لایه اول برای هر گویشوری خاص همان گویشور، و یا حتی خاص لهجه آن گویشور است، لذا در برخی موارد اصل بازداری قادر به اعمال نیست؛ مثلاً گویشوری که با واژه *warmth* ناآشنا است و یا کسی که این واژه را در گفتارش به کار نمی‌برد، به راحتی و بدون مانع واژه *warmness* را تولید می‌کند (همان: ۹۳-۹۲).

- انگاره مذکور «فرض پیوستگی لایه‌ها»^۱ را که توسط مهانان تنها برای قواعد واجی پیشنهاد شده شد، هم برای بخش واج‌شناسی و هم برای بخش ساختواژه قابل اعمال می‌داند؛ بنابراین لایه‌ها با هم در تقابل و ارتباطند و ونندی که در لایه دوم به یک لایه از نظر ساختواژی ساده پیوند می‌خورد ممکن است در لایه اول نیز به ریشه پیوند بخورد (همان: ۹۹).

۴-وند افزایی در زبان فارسی

۴-۱- برخی از ایرادهای مدل «وند-بنیاد» درارتباط با داده‌های زبان فارسی

در تعدادی از داده‌های زبان فارسی، وندافزایی به گونه‌ای اعمال می‌شود که در تناقض با اصول و ادعاهای مدل وند افزایی لایه‌ای «وند-بنیاد» است. این مثال‌های متناقض به شرح زیر است:

الف) قرار گرفتن وندهای تصریفی قبل از وندهای اشتقاقی:

- بردن، خوردن، ماندن و ...

در این داده‌ها و مثال‌های مشابه وند تصریفی «د» قبل از وند اشتقاقی «ن» به پایه پیوند خورده است.

برتری، مهم تری

وند اشتقاقی «ای» بعد از وند تصریفی «تر» به پایه کلمات مذکور که نقش صفت را دارد، اضافه شده

است.

باتوجه به مثال‌های ارائه شده، ادعای انگاره وندافزایی لایه‌ای وند-بنیاد مبنی بر آنکه وندهای اشتقاقی به پایه نزدیک‌تر از وندهای تصریفی‌اند، نقض می‌شود؛ از طرف دیگر با توجه به این اصل انگاره مذکور که هر دسته از وندها فقط و فقط به یکی از لایه‌ها تعلق دارد و نه در عین حال به بیشتر از یک لایه، و همچنین این موضوع که وندهای لایه اول (وندهای اشتقاقی) نزدیک‌تر به پایه کلمه از وندهای لایه دوم

(وندهای تصریفی) هستند، این سوال که وندهای «د» و «ن» در داده‌های دسته اول، وندهای «آت» و «ای» در داده‌های دسته دوم، و وندهای «تر» و «ی» در مثال‌های دسته سوم، به کدام لایه تعلق دارند، در چارچوب اصول انگاره وند-بنیاد بی جواب می ماند؛ چراکه مثلاً وندهای «د»، «آت» و «تر» از نظر خصوصیات ساختوازی جزء وندهای تصریفی زبان فارسی محسوب می شوند، ولی از آنجاکه به پایه نزدیک تر از وندهای اشتقاقی اند در تناقض با اصول انگاره مذکور قرار می گیرند.

ب) زایا نبودن تعدادی از وندهای تصریفی

وند تصریفی «آن» که نشانه فعل سببی استقابل پیوند خوردن به تمام افعال یا به عبارت دقیق تر به تمام ستاک‌های مضارع فعل نیست. مانند* «بردائید»،* «زندائید»،* «گیرائید» و ... که واژه‌هایی خوش ساخت نیستند (نکته قابل ذکر آن است که توجیه این امر که در زبان فارسی به جای* «افتائید» از واژه «انداخت» استفاده می شود و همچنین توجیه موارد مشابه ضروری به نظر نمی رسد؛ چراکه در این قسمت از مقاله هدف تنها ارایه مثال‌های نقیض است).

همان گونه که مثال بالا نشان می دهد برخلاف ادعای انگاره وند-بنیاد که همه فرایندهای لایه دوم زایا هستند همیشه این طور نیست. بدان دلیل که این وند تصریفی در زبان فارسی چندان زایا نیست، از طرف دیگر، برخی از وندهای اشتقاقی زبان فارسی بسیار زیاتر از وندهای تصریفی مذکور می باشند، مانند پسوند غیر فعلی «ای» که از زیاترین و پرکاربردترین وندهای زبان فارسی است و در معانی فراوان با کلماتی چون اسم، ضمیر، صفت، قید، عدد، مصدر، ستاک حال فعل، ستاک گذشته فعل، و فعل تصریف شده ترکیب می شود و اسم و صفت و قید می سازد؛ مانند جنگی، خودی، خوبی، و ... و این واقعیت برخلاف ادعای انگاره وند-بنیاد است که وندهای تصریفی از وندهای اشتقاقی زیاترند.

ج) عضویت دوگانه^۱ برخی از وندها

رفتار ساختوازی برخی از وندهای تصریفی زبان فارسی به گونه ای است که در چارچوب تعاریف ارائه شده در انگاره وند-بنیاد باید آنها را متعلق به بیشتر از یک لایه دانست، در صورتی که ادعای انگاره مذکور آن است که هر وندی منحصرأ و فقط به یک لایه تعلق دارد. این وندها عبارتند از:

وند-ها» که نشانه جمع است و با اسم ترکیب می‌شود، در برخی موارد با صفت پیوند می‌خورد و آن را به اسم تبدیل می‌کند و همچنین جایگاه تکیه را تغییر می‌دهد به صورتی که تکیه از روی صفت به وند مذکور منتقل می‌شود، مانند: تازه‌های علم، زنده‌های حادثه، خوب‌های این امتحان و بنابراین این وند که جزء وندهای تصریفی زبان فارسی محسوب می‌شود و در چارچوب انگاره وندافزایی لایه‌ای وند-بنیاد فقط به لایه سوم تعلق دارد، در این گونه موارد به‌عنوان یک وند اشتقاقی ایفای نقش می‌کند، زیرا هم مقوله دستوری پایه را و هم جایگاه تکیه را تغییر می‌دهد، و از این رو جزء وندهای لایه اول محسوب می‌شود. در این ارتباط علی‌نژاد و طیب (۱۳۸۵) معتقدند نمی‌توان در مورد تصریفی بودن وند-ها» حکم صددرصد و قطعی داد چون مشاهده شده که این وند در برخی از بافت‌ها دارای رفتار اشتقاقی است؛ آنها با ارائه داده‌های جمع‌آوری شده از گفتار فارسی و به دلایل تغییر مقوله دستوری پایه، تغییر معنای پایه، و تغییر جایگاه تکیه توسط وند «ها» رفتارهای اشتقاقی آن را غیرقابل انکار می‌دانند. در این صورت یک وند واحد به دو لایه متعلق است نه یک لایه. این مسئله ادعای انگاره وند-بنیاد را رد می‌کند، و در نتیجه تعریف لایه‌ها براساس خصوصیات وندها زیر سوال می‌رود.

- وندهای «تر» و «ترین» که با صفت ترکیب شده صفت تفضیلی و عالی می‌سازند، براساس برخی از خصوصیاتشان وند تصریفی و بر مبنای دیگر خصوصیاتشان وند اشتقاقی محسوب می‌شوند. به بیان دیگر، این وندها را نه مطلقاً می‌توان تصریفی دانست و نه مطلقاً اشتقاقی. برپایه سه معیار، وندهای مذکور اشتقاقی‌اند. یک اینکه این وندها کلماتی را که به آنها پیوند می‌خورند در معرض اشتقاق بیشتر قرار نمی‌دهند؛ به عبارت دیگر کلماتی که این وندها با آنها ترکیب شده‌اند دیگر قادر به پیوند خوردن با وندهای اشتقاقی بیشتر نیستند و اگر به صورت نظری هر وند اشتقاقی بخواهد با این کلمات پیوند بخورد بعد از وندهای «تر» و «ترین» قرار می‌گیرد، لذا این وندها نزدیک‌تر به پایه قرار می‌گیرند. براساس معیار دوم از آنجایی که کاتامبا (۱۹۹۳) وند منفی ساز «-un» را در زبان انگلیسی به‌خاطر آنکه زیرمقوله^۱ پایه را تغییر می‌دهد وندی اشتقاقی در نظر می‌گیرد، بر این اساس می‌توان وندهای «تر» و «ترین» را هم چون تغییر دهنده زیرمقوله‌اند وندی اشتقاقی نامید. معیار

سوم در رابطه با تکیه می باشد، بدان معنا که وندهای مذکور همانند تمام وندهای اشتقاقی جایگاه تکیه را در کلمه تغییر می دهند؛ به صورتی که تکیه روی این وندها قرار می گیرد، پس اشتقاقی اند؛ از این رو براساس رفتار دوگانه وندهای «-تر» و «-ترین» و اینکه نمی توان آنها را مطلقاً تصریفی یا اشتقاقی و متعلق به یک لایه در نظر گرفت، تعلق هر وند تنها و فقط به یک لایه در چارچوب انگاره وند-بنیاد تضعیف می گردد.

وند تصریفی «-آت» که به عنوان نشانه جمع به اسم پیوند می خورد با توجه به سه معیار، رفتاری همانند وندهای اشتقاقی دارد. اول آنکه زایا نیست بدان معنا که قابل ترکیب با تمام اسم ها نمی باشد، این وند که عربی است علاوه بر اسم های عربی با تعدادی از اسم های فارسی نیز ترکیب می شود؛ مثل میوه جات، کارخانجات، فرمایشات، اما آنقدر زایا نیست که بتواند با تمام اسم های فارسی پیوند بخورد؛ معیار دوم آن است که این وند در برخی موارد از نظر معنایی نظام مند نیست؛ یعنی معنای مفرد کلمه و جمع کلمه ای که با «-آت» پیوند می خورد متفاوت است، مانند «باغ - باغات»، «تشکیل - تشکیلات»، «تجهیز - تجهیزات»؛ علی نژاد و طیب (۱۳۸۵) نیز در راستای اشاره به اشتقاقی بودن رفتار وند جمع فارسی، معانی تکثر، تکرار و انواع را از معانی ظریفی دانسته اند که به وسیله تکواژ جمع منتقل می شوند. بر مبنای معیار سوم وند «-آت» تغییر دهنده تکیه در پایه می باشد به طوری که پس از پیوند این وند با اسم، تکیه بر روی وند قرار می گیرد.

بنابراین، همانند موارد قبلی، براساس رفتار ساختوازی وند مذکور نمی توان آن را مطلقاً تصریفی یا اشتقاقی دانست؛ چرا که در برخی موارد به عنوان وند تصریفی و در موارد دیگر همانند وند اشتقاقی رفتار می کند. از این رو نمی توان آن را متعلق به یک لایه دانست که با این وجود ادعای انگاره وند-بنیاد نقض می گردد و این نوع رفتار در چارچوب انگاره مذکور قابل توجیه نیست.

د) عدم اعمال اصل بازداری

در برخی موارد با وجود اینکه انتظار است بر اثر اعمال اصل بازداری و شرط جای دیگر بعضی واژه ها ساخته نشود، استفاده از این واژه ها در گفتار سخنگویان زبان ها مشهود است که نشان از عدم اعمال اصول مذکور دارد. به عنوان مثال جمع مکسر در زبان فارسی جزء وندافزایی تصریفی بی قاعده

است و بنابراین در لایه اول ساخته می‌شود و اعمال اصل بازداری مانع ساخته‌شدن جمع باقاعده در لایه دوم یا سوم از طریق وندافزایی تصریفی با قاعده و پیوند وند «-ها» به اسم می‌گردد، تا واژه‌هایی همچون «کتب‌ها» تولید نشود؛ اما تولید و استفاده از واژه‌های جمع مکسر به همراه وند «-ها» توسط گویشوران فارسی‌زبان، حتی قشر تحصیل کرده دیده شده است مانند: مدارس‌ها، اخبارها، تبلیغات‌ها، اصطلاحات‌ها و این مثال‌ها نشان می‌دهد که اصل بازداری همیشه اعمال‌شدنی نیست و بنابراین نیاز به تعدیل در انگاره وندافزایی وند-بنیاد دارد.

۴-۲- وندافزایی فارسی در چارچوب مدل پایه-بنیاد

۴-۲-۱- رفع ایرادها

به نظر می‌رسد نمونه‌های فارسی ارائه شده که در تناقض با اصول انگاره وندافزایی لایه‌ای وند-بنیاد می‌باشد، در چارچوب انگاره وندافزایی لایه‌ای پایه-بنیاد گیگ‌ریش قابل توضیح و توجیه است. از آنجایی که در مدل پایه-بنیاد به‌طورکلی خصوصیات ساختواژی پایه اصلی‌ترین نقش را در وندافزایی ایفا می‌کند؛ به‌طوری‌که لایه‌ها براساس خصوصیات پایه قابل تعریف‌اند نه خصوصیات ونداها، موارد فوق باتوجه به پایه‌ای که وند به آن پیوند می‌خورد قابل بررسی است؛ یعنی این خصوصیات خود پایه است که باعث ترتیب پیوندخوردن ونداها به آن می‌شود نه تصریفی یا اشتقاقی بودن ونداها؛ به بیانی دیگر، براین اساس که پایه وندافزایی ریشه مقید^۱ یا آزاد^۲ ستاک، و یا کلمه باشد، هر وند در یکی از لایه‌ها به پایه پیوند می‌خورد. در مدل پایه-بنیاد تمایز میان لایه اول و لایه دوم بدان صورت است که پایه‌های موجود در لایه اول ریشه مقید و پایه‌های موجود در لایه دوم کلمه می‌باشند، مانند زبان انگلیسی؛ از طرف دیگر، در رابطه با زبان‌هایی که مانند زبان آلمانی دارای سه لایه ریشه-بنیاد، ستاک-بنیاد، و کلمه-بنیاد می‌باشند، پایه‌های موجود در لایه اول ریشه، پایه‌های موجود در لایه دوم ستاک، و پایه‌های موجود در لایه سوم کلمه هستند. شاید بتوان گفت که زبان فارسی هم مانند زبان آلمانی دارای سه لایه مذکور

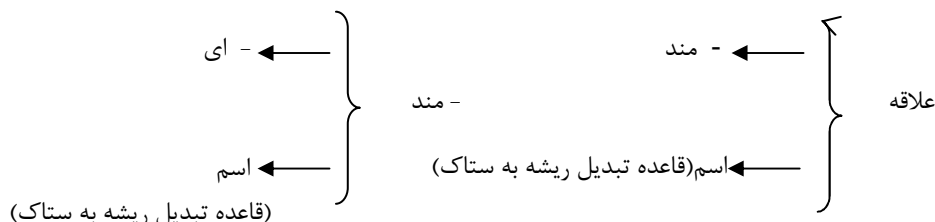
1 - bound

2- free

می باشد، چراکه رفتار انواع مختلف وندها در حین اعمال وندافزایی همانند رفتار وندها در زبان آلمانی است بدان صورت که توسط گیگریش در کتابش ارایه شده است مانند مثال زیر از زبان آلمانی (گیگریش، ۱۹۹۹: ۸۷):

$$\left\{ \begin{array}{l} \rightarrow -ant \\ \rightarrow -ier \\ \rightarrow -noun (Root - to - Stem) \end{array} \right.$$

به علاوه در زبان آلمانی یکی از ویژگی های مشترک ریشه و ستاک امکان مقیدبودن آنهاست که کلمه فاقد چنین ویژگی است (گیگریش، ۱۹۹۹: ۹۸)؛ زبان فارسی هم در این رابطه مانند زبان آلمانی است به عنوان مثال «کوش» در واژه «کوشش» و «بین» در واژه «بینا» مقید هستند. برای مبنا شاید بتوان برای وندافزایی در زبان فارسی سه لایه ریشه-بنیاد، ستاک-بنیاد، و کلمه-بنیاد را در نظر گرفت. بنابراین در مورد واژه «علاقه مندی» بدان دلیل که واژه «علاقه» ریشه آزاد محسوب می شود و نه ریشه مقید، در چارچوب انگاره پایه-بنیاد در لایه اول به منظور اعمال قاعده تبدیل ریشه به ستاک و اختصاص مقوله دستوری اسم به واژه مذکور نیازی به اعمال وندافزایی نیست؛ از این رو در لایه اول فقط قاعده مذکور اعمال می گردد و با توجه به اشتقاقی بودن وند «-مند» در لایه دوم است که این وند با پایل که «ستاک» محسوب می شود، پیوند می خورد؛ از طرف دیگر، نظر به اینکه در انگاره مد نظر وندافزایی چندگانه در یک لایه مجاز می باشد دوباره در همین لایه دوم وند اشتقاقی «-ی» به ستاک «علاقه مند» پیوند می خورد. پس در چارچوب انگاره پایه-بنیاد مدخل واژگانی «علاقه» با تمام فرایندهای ساختوازی لایه اول که مربوط به آن می شود و نیز پسوند «-مند» در واژگان فهرست می گردد:



موارد مشابه نیز به همین منوال شامل وندافزایی لایه‌ای پایه- بنیاد می‌شوند که در قسمت‌های آتی به آن‌ها اشاره می‌شود.

- از آنجایی که انگاره پایه-بنیاد، زایا بودن و منظم بودن معنایی وندافزایی را فقط مختص وندهای لایه سوم نمی‌داند، زایا نبودن برخی از وندهای تصریفی لایه دوم و از طرفی زیاتر بودن برخی از وندهای اشتقاقی لایه اول نسبت به وندهای تصریفی لایه دوم در زبان فارسی، در چارچوب انگاره پایه-بنیاد مثال نقیض محسوب نمی‌شود.

- رفتار دوگانه برخی از وندهای فارسی و در نتیجه اختصاص آن‌ها به بیشتر از یک لایه در انگاره پایه- بنیاد امری عادی تلقی می‌شود، زیرا این انگاره معتقد است هر لایه شامل خصوصیات معنایی، ساختواژی، و واجی است که بخشی از آن‌ها با هم و با لایه دوم و لایه‌های بعدی همپوشی دارد، چرا که هر لایه بر اساس خصوصیات ساختواژی پایه تعریف می‌شوند نه بر مبنای خصوصیات منحصر به فرد دسته‌ای از وندها. بنابراین مثلاً پسوند «-ها» زمانی که به اسم پیوند می‌خورد و اسم جمع می‌سازد به دلیل دارا بودن خصوصیات وند تصریفی باقاعده در لایه سوم با پایه که یک کلمه است ترکیب می‌شود اما زمانی که پایه این وند صفت باشد و مقوله دستوری صفت را به اسم تغییر دهد و جایگاه تکیه را تغییر دهد به دلیل داشتن خصوصیات وند اشتقاقی در لایه دوم با پایه‌ای که بعد از اعمال قاعده تبدیل ریشه به ستاک در لایه اول، یک ستاک محسوب می‌شود، ترکیب می‌گردد.

- عدم اعمال اصل بازداری در مورد جمع مکسر فارسی همراه با وند تصریفی «-ها» در چارچوب انگاره پایه‌بنیاد از آن جهت قابل توجیه است که چون فهرست مدخل‌های واژگانی به همراه فرایندهای ساختواژی مربوط، برای تمام سخنگویان یکسان نیست و هر گویشوری فهرست مخصوص به خود دارد، سخنگویی که در فهرست خود مثلاً کلمه «مدارس‌ها» را به‌عنوان یک ریشه بسیط بدون داشتن مفهوم جمع داشته باشد به دنبال آن فرایند ساختواژی وندافزایی تصریفی باقاعده را که همان ترکیب وند «-ها» به این پایه می‌باشد در فهرست خود ثبت کرده است، به همین دلیل است که واژه «مدارس‌ها» را تولید می‌کند:

$$\left. \begin{array}{l} \leftarrow \text{ها} \\ \leftarrow \text{اسم (قاعده تبدیل ریشه به ستاک)} \end{array} \right\} \text{مدارس}$$

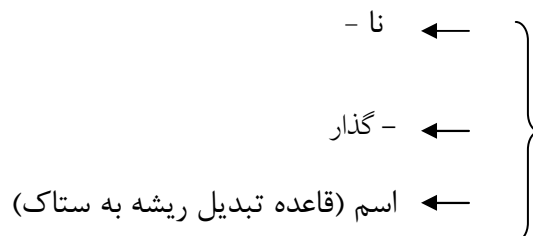
به طور کلی، با رفع ایرادات مربوط به انگاره وندبنیاد در نمونه‌های فارسی توسط اصول انگاره پایه بنیاد، پیشنهاد بررسی وندافزایی فارسی در چارچوب انگاره پایه بنیاد قوت می‌گیرد.

۴-۲-۲- وند افزایی فارسی پایه- بنیاد

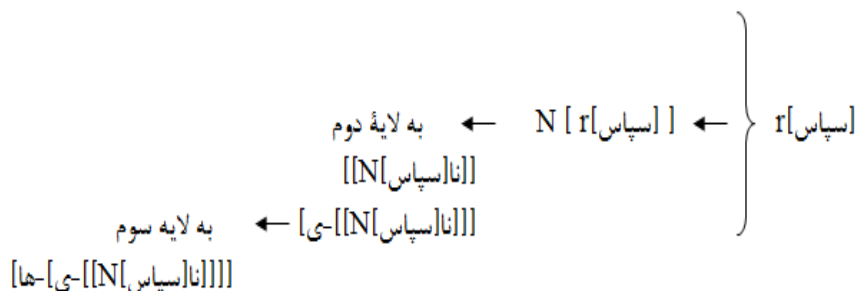
به نظر می‌رسد که در زبان فارسی هر وند در هر مرحله از وندافزایی به یکی از سه پایه «ریشه»، «ستاک» و «کلمه» در یکی از لایه‌ها پیوند می‌خورد. بنابراین پایه است که اختصاص هر وند را به هر لایه مشخص می‌کند. از طرف دیگر قاعده تبدیل ریشه به کلمه در این زبان در لایه اول ریشه را به ستاک تبدیل می‌کند نه به کلمه، چرا که این زبان دارای سه لایه است نه مانند زبان انگلیسی دارای دو لایه ریشه بنیاد و کلمه بنیاد، از این رو در بررسی وندافزایی فارسی، قاعده مذکور با عنوان «قاعده تبدیل ریشه به ستاک» مطرح خواهد شد. نکته دیگر آن است که ستاک و کلمه در این ویژگی که هر دو دارای مقوله واژگانی هستند مشترکند، ویژگی که ریشه آن را ندارد. در این زبان وندهایی که به پایه‌ای که ریشه مقید است پیوند می‌خورند باید متعلق به لایه اول باشند، در حالی که وندهای ترکیب شده با صورت‌های آزاد ممکن است به لایه دوم یا سوم اختصاص داشته باشند؛ بر این اساس، در یک وندافزایی اگر پایه فرایند یک ریشه مقید باشد حتماً باید در لایه اول در چرخه اول وندافزایی بر آن اعمال شود تا قاعده تبدیل ریشه به ستاک در چرخه دوم مقوله دستوری مربوط را به پایه اختصاص دهد. از طرف دیگر اگر پایه یک ریشه آزاد باشد در لایه اول فرایندی صورت نمی‌گیرد و فقط قاعده تبدیل ریشه به ستاک است که اعمال شده و پایه را دارای مقوله دستوری مربوط می‌کند. به علاوه، اگر پایه‌ای ستاک محسوب شود در لایه دوم و اگر کلمه باشد در لایه سوم وند می‌گیرد؛ بر مبنای تعریفی که کاتامبا (۱۹۹۳) از ستاک ارائه داده است و آن را پایه‌ای تعریف می‌کند که هنوز هیچ وند تصریفی به آن پیوند نخورده است، پیوند وندهای اشتقاقی در لایه ستاک- بنیاد دوم و پیوند وندهای تصریفی در لایه کلمه- بنیاد سوم در نظر گرفته می‌گردد.

در اینجا چند نمونه وند افزایی فارسی در چارچوب انگاره وند افزایی لایه‌ای پایه- بنیاد بررسی و تجزیه و تحلیل می‌گردد، به صورتی که در ابتدا هر پایه به همراه وند افزایی‌هایی که بر آن در لایه اول اعمال می‌شود در واژگان فهرست می‌شود:

- ناسپاسی‌ها



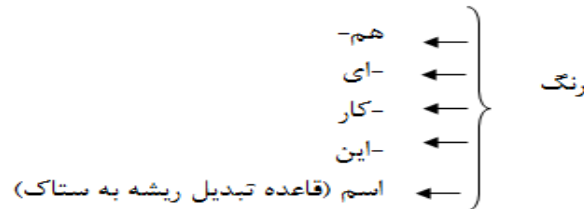
لایه اول



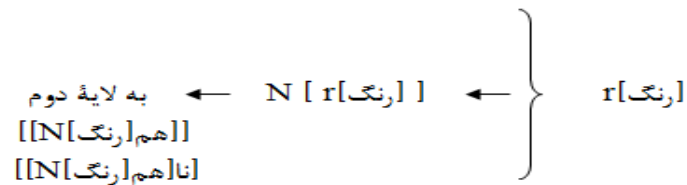
در این وندافزایی بدان دلیل که واژه «سپاس» ریشه آزاد محسوب می‌شود در لایه اول به‌منظور اعمال قاعده تبدیل ریشه به ستاک و اختصاص مقوله دستوری اسم به واژه مذکور نیازی به اعمال وندافزایی نیست، لذا در لایه اول فقط قاعده مذکور اعمال می‌گردد و باتوجه به اشتقاقی بودن وند «نا-» در لایه دوم این وند با پایه که «ستاک» محسوب می‌شود، پیوند می‌خورد و باتوجه به مجاز بودن وندافزایی چندگانه در یک لایه در انگاره پایه-بنیاد دوباره در همین لایه دوم وند اشتقاقی «-ی» به ستاک «ناسپاس» پیوند می‌خورد، و در مرحله آخر وندافزایی وند تصریفی «-ها» در لایه سوم با پایه که کلمه می‌باشد ترکیب می‌گردد.

همان‌طور که مشاهده می‌شود ماهیت پایه بیانگر تعلق هر وند به هر لایه است، بدان معنا که اگر پایه‌ای که وند با آن ترکیب می‌شود ریشه باشد وندافزایی در لایه اول اعمال می‌شود، اگر ستاک باشد وندافزایی در لایه دوم و اگر کلمه باشد وندافزایی در لایه سوم اتفاق می‌افتد.

- ناهمرنگ

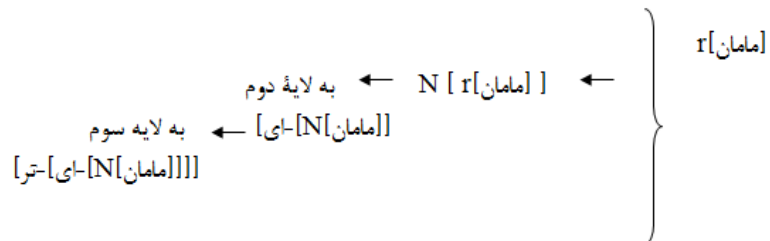
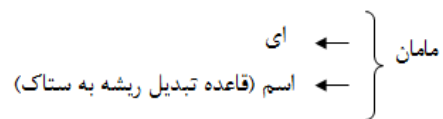


لایه اول



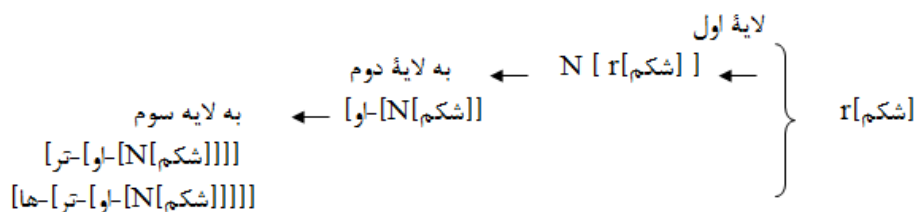
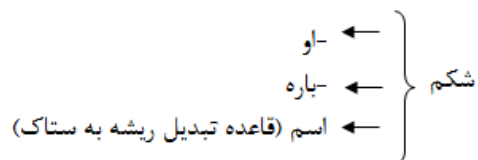
در این مثال بر پایه «رنگ» به عنوان ریشه آزاد در لایه اول هیچ وندافزایی اعمال نمی‌گردد و فقط قاعده تبدیل ریشه به ستاک مقوله دستوری اسم را به آن اختصاص می‌دهد و آن را به ستاک تبدیل می‌نماید، سپس در لایه دوم با وند اشتقاقی «هم-» ترکیب می‌شود و در آخر وند اشتقاقی «نا-» در همان لایه دوم به ستاک «همرنگ» می‌پیوندد و واژه «ناهمرنگ» ساخته می‌شود؛ به عبارت دیگر ساخت این واژه در لایه دوم اتمام می‌یابد.

- مامانی‌تر



مراحل ساخت این واژه به این ترتیب است که ابتدا قاعده تبدیل ریشه به ستاک در لایه اول ریشه آزاد «مامان» را به ستاک با مقوله دستوری اسم تبدیل می‌کند، سپس پسوند اشتقاقی «-ای» در لایه دوم به ستاک «مامان» می‌پیوندد، در مرحله آخر پسوند تصریفی «-تر» با کلمه «مامانی» ترکیب می‌شود و واژه «مامانی‌تر» ساخته می‌گردد. در این مثال وند «-ای» چون به ستاک می‌پیوندد به لایه دوم و وند «-تر» چون با کلمه ترکیب می‌شود به لایه سوم تعلق دارد.

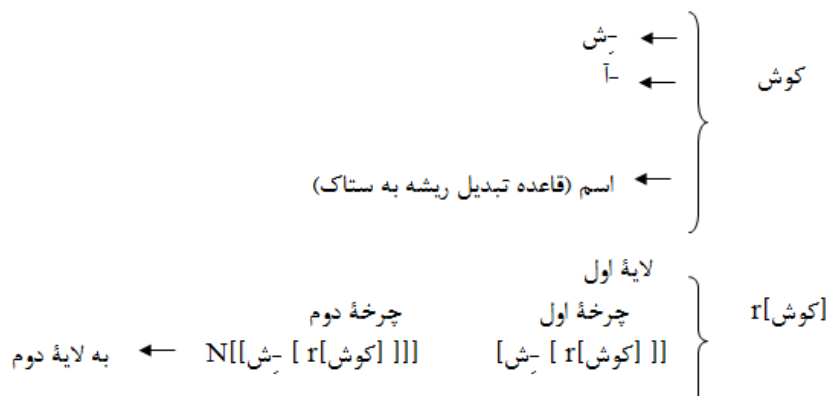
- شکموترها (در عبارت شکموترهای بی‌اراده)



وند افزایشی موجود در روند ساخت این واژه بدان شکل است که ابتدا در لایه اول قاعده تبدیل ریشه به ستاک به ریشه آزاد «شکم» که فاقد مقوله دستوری است مقوله دستوری اسم را اختصاص می‌دهد و آن را تبدیل به ستاک می‌نماید، سپس در لایه دوم پسوند اشتقاقی «-او» به ستاک «شکم» می‌پیوندد، بعد از آن در لایه سوم وند تصریفی «-تر» با «شکمو» ترکیب می‌شود، و در مرحله آخر نظر به مجاز بودن وندافزایی چندگانه، پسوند «-ها» در همان لایه سوم به کلمه «شکموتر» می‌پیوندد تا واژه «شکموترها» ساخته شود. حال دو واژه زیر که به ترتیب دارای تکواژ مقید^۱ و تکواژ صفر^۲ هستند در چارچوب انگاره وندافزایی پایه-بنیاد بررسی می‌شود:

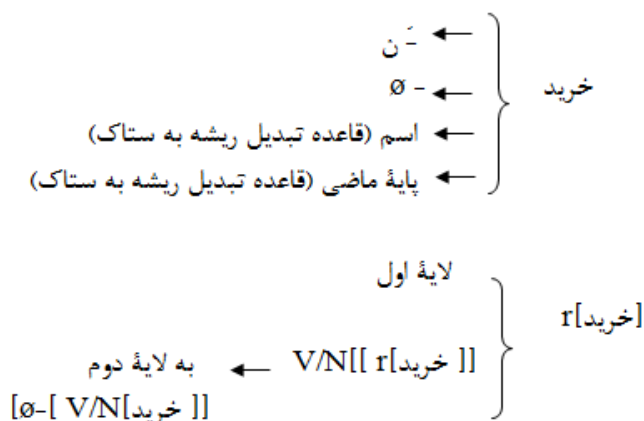
- 1- bound morpheme
- 2- zero morpheme

- کوشش



مراحل ساخت واژه فوق به نحوی است که چون «کوش» یک ریشه مقید می باشد ابتدا وند «-ش» در لایه اول و در چرخه اول به آن پیوند می خورد تا قاعده تبدیل ریشه به ستاک در همین لایه اول و در چرخه دوم آن را به ستاک با مقوله دستوری اسم تبدیل کند و واژه «کوشش» ساخته شده از لایه خارج شود. در این مثال وند «-ش» چون به ریشه می پیوندد به لایه اول تعلق دارد. در حالی که در ارتباط با این داده زبانی پسوندهای دیگری اضافه نمی شود، اما از لحاظ نظری اشتقاق بیشتر امکان پذیر می باشد؛ به عنوان مثال اضافه شدن وند تصریفی «-ها» در لایه سوم امکان دارد.

- خرید



در این وندافزایی که تحت‌عنوان «اشتقاق صفر»^۱ مطرح است، وندی که به پایه اضافه می‌گردد، ظهور مادی ندارد. مراحل ساخت این واژه را می‌توان بدین‌گونه تبیین کرد که ابتدا در لایه اول قاعده تبدیل ریشه به ستاک ریشه آزاد «خرید» را به ستاک با مقوله دستوری اسم یا پایه ماضی تبدیل می‌نماید، سپس در لایه دوم تکواژ صفر به ریشه «خرید» می‌پیوندد و واژه «خرید» ساخته می‌شود؛ بدان دلیل که «خرید» یک ریشه آزاد است طبق تعریف در لایه اول وندی بر آن افزوده نمی‌گردد، از طرف دیگر چون تکواژ صفر مقوله دستوری را عوض می‌کند و بنابراین رفتار وندهای اشتقاقی را دارد پیوند آن به پایه در لایه دوم در نظر گرفته می‌شود.

به‌طور کلی، همان‌گونه که مشاهده شد، بررسی وندافزایی فارسی در چارچوب انگاره وندافزایی لایه‌ای پایه-بنیاد نه تنها ایرادها مربوط به انگاره وند-بنیاد را در رابطه با تعدادی از داده‌های زبان فارسی رفع می‌کند، به‌علاوه توصیف چگونگی اعمال وندافزایی در زبان فارسی را به صورت بهینه‌تر و کامل‌تر ارائه می‌دهد.

به‌علاوه باتوجه به تحلیل‌های ارائه شده در چارچوب انگاره وندافزایی پایه-بنیاد، می‌توان وندهای زبان فارسی را بر مبنای نوع پایه‌ای که به آن پیوند می‌خورند طبقه بندی کرد؛ به عبارت دیگر، هر وند بر اساس اینکه به ریشه، ستاک، و یا کلمه می‌پیوندد در دسته‌ای جدا از بقیه وندها قرار می‌گیرد. طبق تعریف، وندهایی که به ریشه پیوند می‌خورند در لایه اول، تمام وندهایی که غالباً رفتار اشتقاقی دارند و به ستاک پیوند می‌خورند در لایه دوم و تمام وندهایی که غالباً رفتار تصریفی دارند و به واژه پیوند می‌خورند در لایه سوم قرار می‌گیرند. جدول زیر پیشنهاد گروه‌بندی برخی از وندهای زبان فارسی را بر این اساس نشان می‌دهد:

جدول ۲- پیشنهاد تفکیک برخی از وندهای زبان فارسی بر اساس نوع پایه‌ای که به آن پیوند می‌خورند

| پیوند با ریشه (لایه اول) | پیوند با ستاک (لایه دوم) | پیوند با کلمه (لایه سوم) | |
|--------------------------|--------------------------|--------------------------|-------|
| ن | نا- | ها-/ان- | وندها |
| نا- | وا- | د | |
| نا | ای- | تر-/ترین | |
| ش | بر- | ام-/امین | |
| | آ | م | |
| | ∅ | | |

1- zero derivation

نکته قابل ذکر آن است که برخی از وندها مانند وند-ها، با توجه به رفتار دوگانه تصریفی و اشتقاقی که دارند، به بیش از یک پایه پیوند می‌خورند و بنابراین به بیشتر از یک گروه تعلق دارند؛ این مسئله با این ادعای انگاره وندافزایی پایه-بنیاد که یک وند واحد مجاز است به بیش از یک لایه تعلق داشته باشد همسو می‌باشد. می‌توان تمام انواع وندهای زبان فارسی را بر این مبنا طبقه بندی کرد. بنابراین در این طبقه بندی، تنها نوع پایه (ریشه، ستاک، و کلمه) است که مبنای تعلق وندها به لایه اول، دوم، و سوم قرار می‌گیرد نه رفتار تصریفی یا اشتقاقی آنها.

نتیجه گیری

در این مقاله بعد از معرفی دو دیدگاه به وندافزایی لایه‌ای، یعنی انگاره وند-بنیاد و انگاره پایه-بنیاد، مثال‌هایی از وندافزایی فارسی ارائه گردید که در تناقض با اصول و ادعاهای انگاره وند-بنیاد قرار گرفت به صورتی که توجه نحوه اعمال وندافزایی در این دسته از داده‌ها در چارچوب انگاره مذکور تقریباً غیرممکن به نظر رسید. در ادامه با رفع ایرادهای مربوط به انگاره وند-بنیاد براساس اصول انگاره وندافزایی لایه‌ای پایه-بنیاد، وندافزایی فارسی در چارچوب انگاره پایه-بنیاد بررسی و تجزیه و تحلیل گردید و این نتیجه حاصل شد که وندافزایی در زبان فارسی در چارچوب انگاره «پایه-بنیاد» به میزان بیشتری نسبت به دیدگاه «وند-بنیاد» قابل توضیح است. از طرف دیگر بررسی نحوه اعمال وندافزایی فارسی در چارچوب انگاره پایه-بنیاد نتایج زیر را برای زبان فارسی به دنبال داشت:

- شاید بتوان گفت که زبان فارسی (مانند زبان آلمانی) به ترتیب دارای سه لایه ریشه-بنیاد، ستاک-بنیاد، و کلمه-بنیاد است.

- تعلق هر وند به هر کدام از سه لایه مذکور توسط خصوصیات ساختوازی پایه مشخص می‌شود.

- یک وند واحد می‌تواند به بیش از یک لایه تعلق داشته باشد.

- زبایی و نظام‌مندی معنایی تنها مختص فرایندهای وندافزایی لایه دوم نیست.

- قاعده تبدیل ریشه به ستاک در لایه اول (برای ریشه‌های مقید در چرخه دوم لایه اول) اعمال می‌شود و ریشه را به ستاک همراه با یک مقوله دستوری تبدیل می‌کند.
- تمام واحدهای واژگانی و وندها به همراه فرایندهای ساختوازی بالقوه اعمال‌شدنی در لایه اول در واژگان هر سخنگو فهرست شده‌اند.
- هر وند بر اساس اینکه به ریشه، ستاک، و یا کلمه می‌پیوندد، در دسته‌ای جدا از بقیه وندها قرار می‌گیرد و به ترتیب به لایه اول، دوم، و سوم تعلق دارد.

کتابنامه

- افراشی، آریتا. (۱۳۸۶). *ساخت زبان فارسی*. تهران: انتشارات سمت.
- تجویدی، غلامرضا. (۱۳۸۴). *واژه‌شناسی انگلیسی همراه با فرایندهای واژه‌سازی در انگلیسی و فارسی*. تهران: انتشارات سمت.
- رحیمی‌فر، منصور. (۱۳۸۳). «توصیف فرایند واژه‌سازی موقتی (بافتی)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.
- شریعت، محمد جواد. (۱۳۶۴). *دستور زبان فارسی*. تهران: انتشارات اساطیر.
- عباسی، آریتا. (۱۳۸۵). «محدودیت‌های صرفی و نحوی در زیایی فرایند اشتقاق در زبان فارسی». *مجله زبان و زبان‌شناسی*. تهران: انجمن زبان‌شناسی ایران، ۵۶-۳۹.
- علی‌نژاد، بتول. (۱۳۸۲). «نقش فرهنگ در واژه‌پذیری». چکیده مقالات دومین هم‌اندیشی مسائل واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی تهران، ۶۸-۶۶.
- علی‌نژاد، بتول، و طیب، سید محمدتقی. (۱۳۸۵). «نگاهی به دستگاه شمار اسم در فارسی معاصر». *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دوره ۲۵، شماره ۳، ۱۶۹-۱۵۷.
- علوی مقدم، سید بهنام. (۱۳۸۶). «صرف واژگان: واژه‌سازی و زیایی». *مجله زبان و زبان‌شناسی*. تهران: انجمن زبان‌شناسی ایران، ۱۵۷-۱۴۹.
- غلامعلی، خسرو. (۱۳۷۴). *ساخت زبان فارسی*. تهران: انتشارات احیاء کتاب.
- قوشه، فاطمه. (۱۳۸۳). «مقایسه تطبیقی فرایندهای ساخت واژه بین مطالعات دانشمندان اسلامی و دانشمندان جدید». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.

کلباسی، ایران. (۱۳۸۰). *ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مشکوه الدینی، مهدی. (۱۳۸۴). *دستور زبان فارسی واژگان و پیوندهای ساختی*. تهران: انتشارات سمت.

Giegerich, HeinzJ. (1999). *Lexical Strata in English*. Cambridge: Cambridge University Press.

Katamba, Francis. (1993). *Morphology*. MC Millan Press, LTD.

Kahnemuyipour, Arsalan. (2000). "On the Derivationality of some Inflectional Affixes in Persian". LSA, Chicago.

Matthews, P.H. (1991). *Morphology*. 2nd edition. Cambridge, England: Cambridge University Press.

Spencer, Andrew. (1991). *Morphological Theory*. Blackwell Publishers LTD.